

مفهوم «امنیت حرم» در پرتو معنای تأویلی آیات مرتبط

* امین عباس پور

** عباس مصلائی پور

چکیده

قرآن کریم در آیه: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا» به امن بودن بیت الله الحرام اشاره دارد. درباره معنای دقیق این آیه و آیات نظیر آن، نظرهای گوناگونی در میان مفسران مطرح شده است. برخی با استناد به آیات متناظر و روایات، و برخی با تکیه بر امور تجربی و حسی به تبیین دیدگاه خود پیرامون مفهوم امنیت، منشأ آن، دلیل وجود امنیت و ... پرداخته‌اند. موضوع مورد بررسی در این نوشتار، بررسی آراء مفسران فریقین درباره آیات مرتبط با حرم امن الهی و تحلیل نظرات ایشان و در نهایت، تبیین معنای روایی این عبارت است؛ معنایی که بر دو پایه استوار است: امنیت دین و امامت. این دو مؤلفه که از متن روایات برآمده است، مفهوم امنیت در عبارت «حَرَمًا آمِنًا» را به معنای امنیت دینی امامت‌محور سوق می‌دهد.

واژگان کلیدی

تفسیر کلامی، آیه ۱۲۵ بقره، حرم امن، امنیت حرم، امامت.

a.abbaspour@isu.ac.ir

amusallai@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۶

*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول).

** دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۶

طرح مسئله

در آیاتی از قرآن کریم، سخن از «حرم امن» به میان آمده که در خصوص مکه و مسجدالحرام بوده و مکانی است که در آن حج گزارده می‌شود. معنای این عبارت در نگاه نخست، ساده به نظر می‌رسد؛ اما با تتبع و جستجو در منابع تفسیری و روایات پیرامون آن، با آراء مختلفی مواجه می‌شویم که دستیابی به مفهوم حقیقی آن را مبهم می‌سازد؛ تا آنجا که برخی با ایجاد شبهه پیرامون آن و انکار اصل امنیت حرم - پس از وقوع قتل و طوفان و حوادثی تلخ نظیر فاجعه منا - قرآن را که معجزه آشکار پیامبر اسلام ﷺ است زیر سؤال برده و به صحت آن خدشه وارد ساخته و اسلام را مورد تردید قرار داده‌اند.

در حوزه پیشینه مباحث پیرامون امنیت و مطالعات مرتبط با آن در نصوص دینی، تاکنون مقاله‌ها و نوشتارهای متعددی به زیور طبع آراسته گشته است؛ برای نمونه در مقاله‌های «امامت، بنیان امنیت»،^۱ «از نگاهی دیگر: جایگاه حج در فرهنگ ارتباطات»^۲ و «امنیت و ابعاد آن در قرآن»^۳ به این موضوع پرداخته‌اند؛ که با نگاهی اجمالی به آنها می‌توان دریافت که اگر چنانچه بحث یا سخنی از معنای حرم امن در آنها به کار رفته باشد، مفهوم آن را در معانی دیگری غیر از امامت به کار برده‌اند یا اگر صحبتی از امامت نیز کرده‌اند، به عنوان مبحثی فرعی و نه محوری مطرح نموده‌اند. لذا آنچه نوشتار حاضر را در برابر تلاش‌های علمی سایر مؤلفان متمایز می‌سازد، بررسی نقش محوری امامت در معنابخشی به حرم امن است. افزون بر این، آنچه در تفاسیر فریقین نیز با عنوان توضیح و بسط مفهوم امنیت حرم به رشته تحریر در آمده، ناظر به موضوعاتی نظیر امنیت تشریحی، جانی، مالی و ... در محدوده حرم بوده و هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع مهم امامت و نقش کلیدی آن در امنیت حرم نداشته‌اند. بنابراین تاکنون مقاله یا کتابی به صورت مستقل به این موضوع و همچنین نقش امامت در تأمین امنیت دینی نپرداخته است. نوآوری نوشتار پیش‌رو علاوه بر دسته‌بندی و تحلیل آراء مفسران، ارائه مفهومی نوین از مفاد «حرم امن» با بهره‌گیری از آیات و روایات متناسب با آن می‌باشد که در آثار تفسیری، اشاره‌ای صریح و بلیغ به آن نشده است. بهترین و جامع‌ترین معنایی که می‌شود از امنیت حرم ارائه داد، مفهوم «امنیت دینی امامت‌محور» است. به باور نویسندگان این سطور، آیات و روایات درصدد هدایت بشر به سوی کمال خویش هستند که

۱. رامین، محمدعلی، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۶.

۲. هاشمی، رضا، *نشریه میقات حج*، زمستان ۱۳۷۴، شماره ۱۴.

۳. اخوان کاظمی، بهرام، *نشریه مطالعات اسلامی*، بهار ۱۳۸۶.

حفظ ایمان و اعتقاد افراد برای رسیدن به این کمال، مستلزم ورود در حرم امن امامت است. نویسندگان این نوشتار درصدد تخطئه سایر مفاهیم ارائه شده توسط مفسران نیستند؛ بلکه سعی بر این بوده است تا افزون بر جمع‌آوری اقوال تفسیری فریقین و دسته‌بندی و تحلیل آنها، با استفاده از قرائن قرآنی و روایی به مفهومی جامع از «حرم امن» دست پیدا کرده و شبهات به وجود آمده در خصوص مفهوم رایج امنیت حرم پاسخ داده شود.

امنیت در لغت

ریشه ثلاثی مجرد «امن» در عربی که مشتقاتی نظیر امنیت، ایمان، مؤمن، امین و ... نیز از آن ساخته می‌شود، دارای معنای پایه‌ای آرامش می‌باشد که در کتب اهل لغت به این موضوع پرداخته‌اند. در قرآن کریم، مستقلاً به واژه «امنیت» اشاره نشده است؛ اما با در نظر گرفتن ریشه و مشتقات آن، در مجموع ۸۷۹ بار به کار رفته است. (عبدالباقی، ۱۳۶۴: ۸۱ - ۹۳) صاحب *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* می‌نویسد: «أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو الأمن و السكون و رفع الخوف و الوحشة و الاضطراب». (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱ / ۱۵۰) امن یعنی ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن (قرشی، ۱۳۷۱: ۱، ۱۲۳) و ایمان یعنی تسلیم توأم با اطمینان خاطر (قرشی، ۱۳۷۱: ۱، ۱۲۴) و امنیت به معنای عدم خوف است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۶ / ۲۰۷) راغب اصفهانی نیز طمأنینه و از بین رفتن ترس را معنای امنیت می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) نقطه مقابل امن، خوف است و مأمن به معنای موضع بدون ترس می‌باشد. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸ / ۳۸۸) برخی بر آنند که این واژه از نظر وزن و معنا همانند واژه «سلم» قلمداد می‌گردد. (فیومی، بی‌تا: ۲۴) امنیت در زبان فارسی نیز معنای ایمن شدن و بی بیم بودن معنا گشته است. (معین، ۱۳۶۲: ۱۲۲)

از مجموع معانی و توضیحاتی که اهل لغت داده‌اند، می‌توان به این نتیجه رسید که روح معنایی ریشه «امن»، طمأنینه و آرامش خاطر و نداشتن خوف از وقایع و رویدادهاست. بنابراین ایمان؛ یعنی چیزی که مایه آرامش است و مؤمن؛ یعنی کسی که دارای عنصری است که به سبب آن، دارای اطمینان و آرامش خاطر می‌باشد و «بلد امن»، سرزمینی است که در آن عنصر آرامش وجود دارد و خوف زائل گشته است.

امنیت در اصطلاح

«امنیت» در تعریف اسلامی دارای بحثی مجزا و مستقل نیست و ذیل موضوعاتی چون: ایمان،

صفات مؤمنان، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، جهاد، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانتداری، برخورد با اشرار، محاربان، یاغیان، مفسدان و جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان، نوع تعامل با کفار و مشرکان مطرح شده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۲) امنیت از نگاه قرآن، دارای مؤلفه‌های متعددی است که نقطه کانونی آنها، امنیت ایمانی است. این تعبیر در قرابت لغوی میان ایمان و امنیت مورد توجه قرار گرفته است. قرآن ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن، نوع کامل و اصلی امنیت را امنیت مبتنی بر ایمان به خداوند می‌داند. (غرایاق زندی، ۱۳۸۹: ۷) بنابراین ایمان و ایمنی در منطق الهی توأمانند. (جزائری و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳)

بررسی مفهوم امنیت حرم در قرآن کریم

در قرآن کریم، به صورت مشخص در چندین آیه از امنیت حرم مکی و مسجدالحرام بحث گردیده است. برای آشنایی بیشتر با آیات مورد بحث، چند نمونه ذکر می‌شود:

– «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» (بقره / ۱۲۵)

– «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران / ۹۷)

– «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم / ۳۵)

– «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ» (عنکبوت / ۶۷)

– «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ» (مائده / ۹۷)

امن بودن حرم در بین مفسران و علمای اسلام، دارای مفاهیم و برداشت‌های مختلف و بعضاً متضادی بوده است؛ هر چند که برخی در اصل وجودی و امن بودن آن به عنوان یک امر موجود در زمان حاضر اشکال وارد کرده‌اند و گفته‌اند آیات دال بر امنیت حرم، خبری از گذشته است و دلالتی برای اثبات آن در مستقبل و حکم امن بودن آن وجود ندارد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۴ / ۱۴۰) آنچه که پس از بررسی تفاسیر مختلف فریقین بدان دست یافتیم، به صورت کلی در عناوین زیر قابل تقسیم‌بندی است:

۱. امنیت جانی و مالی

بسیاری از مفسران فریقین اتفاق نظر دارند که یکی از مفاهیم و معانی اصلی امنیت، محفوظ بودن جان و مال افراد در محدوده حرم است. بنابراین اگر کسی در این مکان قرار بگیرد، مال و خون و جان او در امان است و مورد تعدی و غارت قرار گرفته نمی‌شود و حتی اگر فردی خارج از حرم

مرتکب جنایت و یا فعلی که مستوجب حد باشد، گردد و سپس به حرم پناه ببرد، حد بر او جاری نمی‌گردد. البته خرید و فروش و خوردن و آشامیدن بر او محدود می‌گردد تا آنکه مجبور شود از حرم خارج گردد و حدود الهی را پس از خروج جاری سازند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۲۰؛ طوسی، بی‌تا: ۱ / ۴۵۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۳۹؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۱۴۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۸۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲ / ۱۱۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱ / ۱۱۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۱ / ۲۰۰) ولی چنانچه شخصی در حرم، امنیت را رعایت ننماید، روا داشتن حد بر او در حرم لازم است؛ زیرا حرمت حرم را هتک نموده است. این مفهوم برای سایر موجودات نیز تسری یافته است. طبق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، حیوانات وحشی و پرندگان از اینکه مورد اذیت و صید قرار بگیرند در امان هستند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۸۷) البته این آیات، عدم وقوع قتل را در حرم خبر نمی‌دهد؛ زیرا ما شاهد وقوع آن بوده‌ایم. (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۲) در حقیقت، مراد این بوده که خداوند در دل مردم، نوعی شفقت نسبت به این مکان قرار داده است تا مردم آن را محترم دارند. (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۴۴۴)

۲. امنیت سرزمینی

برخی مفسران چون فخر رازی بر این باورند که امنیت حرم، محفوظ ماندن سرزمین مکه از قحطی و خشکسالی و آفت و خسف و ... است (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۹) و با دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که در آیه ۱۲۵ بقره ذکر شده، سرزمین حرم از بلایای طبیعی که سایر بلاد با آن مواجه می‌شوند در امان خواهد ماند. (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۱ / ۴۵۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱ / ۱۱۷) این برداشت از مفهوم امنیت حرم با آیات سوره فیل نیز در تناسب است.

۳. امنیت اخروی

مراد از امان، دور ماندن از عذاب آتش در قیامت است. طبق روایاتی که در تفاسیر فریقین از طرق مختلف نقل گشته است، ایمان به خدا و پناه بردن به حرم امن موجب محفوظ ماندن از خشم الهی و ورود به رحمت الهی می‌گردد. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱ / ۲۰۰) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من دخل الحرم من الناس مستجیرا به فهو آمن من سخط الله عزوجل؛ هر کس به حرم پناهنده گردد، از خشم خداوند در امان است». (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۸۷) برخی مفسران چون ابوالفتوح رازی در توضیح این مسئله افزوده‌اند ورود در آن مکان با صفای باطن و تزکیه نفس موجب امان از عذاب خدا است. (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۴۴۴) در برخی از اخبار آمده است که هر کس در آنجا بمیرد، در قیامت از عذاب، ایمن خواهد بود. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۲۹) همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مَنْ دُفِنَ فِي الْحَرَمِ أَمِنَ مِنْ

الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ فَقُلْتُ لَهُ مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَفَاجِرِهِمْ؟ قَالَ مِنْ بَرِّ النَّاسِ وَفَاجِرِهِمْ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۵۸)

ابوالفتوح رازی صاحب *روض الجنان* و *روح الجنان* نیز در این باره می‌نویسد: «در خبر است که پیامبر ﷺ فرمود فردای قیامت، خدای تعالی فرماید تا اطراف حجون و بقیع گیرند، و آن گورستان‌های مکّه و مدینه است، و در بهشت افشانند». همچنین وی روایتی را پیرامون شفاعت کعبه برای افرادی که مناسک حج را به جای آورده‌اند، ذکر می‌نماید. (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۴۴۵ - ۴۴۶)

۴. امنیت و زندگی مسالمت‌آمیز حیوانات

یکی دیگر از معانی ذکر شده برای حرم امن، زندگی و آرامش میان حیوانات در کنار یکدیگر است. صاحب *مجمع البیان* این دیدگاه را نیز به عنوان یکی از وجوه احتمالی ذکر کرده است که یکی از آیات الهی، سکونت همراه با امنیت میان تمامی جانداران با یکدیگر است؛ آهو در کنار درنده وحشی زندگی می‌کند مادامی که در حرم است و زمانی که از محدوده حرم خارج شود، این امنیت از بین می‌رود. (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۱۶۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۸۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۲) افزون بر این، انس پرندگان با انسان و عدم خوف آنها در حرم نیز از مواردی است که ایشان ذکر می‌نمایند.

۵. امنیت سیاسی و نظامی

حرم امن الهی به این معناست که خداوند موهبتی ویژه بر این سرزمین اعطا نموده که به وسیله آن، از سلطه افراد ظالم و ستمگر مصون خواهد بود و جباران نمی‌توانند بر آنجا حکمرانی نمایند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۲۵) بنابراین مفهوم امنیت حرم، جنبه‌ای سیاسی نیز می‌تواند به خود بگیرد. تمام معانی و وجوهی که ذکر گردید، نشان‌دهنده امنیت در سطوح و لایه‌های مختلف در ابعاد فردی و اجتماعی است و نخ تسبیح همه آنها، وجود نوعی آرامش و احساس اطمینان از حال و آینده است. فخر رازی نیز بر همین عقیده است و پس از آوردن اقوال و نظرهای مختلف در این زمینه، معتقد است که ریشه و اساس این معانی، ثبوت امنیت است. (رازی، ۱۴۲۰: ۸ / ۳۰۴)

منشأ امنیت حرم

برای بررسی جوانب امنیت و درک بهتر مفهوم امنیت حرم، لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که اساساً امنیت چگونه شکل گرفته و سر منشأ ابتدایی آن چگونه بوده است؟ در اقوال مفسران فریقین، دو پاسخ کلی بر مبنای تکوین و تشریح ارائه شده که هر دو، قائلانی از شیعه و اهل سنت دارد و ادله مختلفی برای آن تبیین گشته است که در این مجال به صورت مختصر به آن پرداخته می‌شود:

۱. امنیت تکوینی

برخی با استناد به روایاتی از پیامبر ﷺ - در زمان فتح مکه - که می‌فرماید: «هذه حرم حرما لله يوم خلق السماوات و الأرض»، بر این باورند که حرمت حرم، تکوینی بوده و خدای متعال از ابتدای خلقت این امنیت را ایجاد نموده است و این سرزمین به صورت امن آفریده شده است. (طوسی، بی‌تا: ۱ / ۴۵۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۸۴) بنابراین قول، دعا و طلب حضرت ابراهیم ﷺ برای امنیت حرم^۱ که بعد از فارغ شدن از بنای کعبه انجام پذیرفته (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۸۹) که از باب یادآوری وجود این امنیت است و جاری شدن این دعا از لسان ایشان به جهت رواج این سنت توسط سایر مردم می‌باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۲۶؛ طوسی، بی‌تا: ۱ / ۴۵۷) خدای سبحان قلوب اعراب را به گونه‌ای معطوف کرد که در آنجا به کسی تعرضی صورت نگیرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۹۹) اگر امنیت را تکوینی بدانیم، مفهوم حرم نیز دچار تغییراتی خواهد شد. برای نمونه، به علت وقوع قتل در حرم، نمی‌توان ادعا کرد که حرم امن معنای امنیت جانی داشته باشد. مراد از حرم امن با درنظر گرفتن امنیت تکوینی، عدم وقوع قحطی است. (ر.ک: رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۲) برخی اشکال کرده‌اند که با در نظر گرفتن این معنا، چرا شاهد تخریب کعبه توسط حجاج در سال ۷۳ هجری و حوادثی مشابه آن در طول تاریخ بوده‌ایم؟ در پاسخ به این اشکال، گفته می‌شود که قصد این افراد مبنی بر تخریب کعبه، اولی و بالذات نبوده و به صورت ناخواسته چنین اقدامی صورت پذیرفته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴ / ۴۸)

۲. امنیت تشریحی

خدای متعال امن بودن حرم را به وسیله تشریح و احکام دینی ایجاد و انشاء نموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۶۹) این برداشت از امنیت، با توجه به روایتی از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «إني حرمت المدينة كما حرم إبراهيم مكة». (ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۲ / ۱۱۸) اعراب جاهلی پیش از اسلام نیز به این نکته توجه نموده و نسبت به رعایت حرمت حرم اهتمام داشته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۲۱) البته برخی گفته‌اند که به سبب اینکه اعراب این سنت را از قدیم داشته‌اند و قتل و غارت را در آن مکان ممنوع می‌دانستند، با دعای حضرت ابراهیم ﷺ و استجاب آن، جنبه تشریحی نیز به این سنت داده شد (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۴۲۱) اما در مقابل، گفته شده است که امنیت حرم، توسط حضرت ابراهیم ﷺ و حضرت اسماعیل ﷺ پایه‌گذاری شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۸۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۵۴) و این موضوع، ارتباطی به سنت اعراب ندارد و اساساً اعراب چنین سنت و قراردادی نداشته‌اند.

۱. این دعا در دو آیه آمده است که در معرفه و نکره بودن با هم تفاوت دارند: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره / ۱۲۶) و «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...» (ابراهیم / ۳۵)

مشمولان امنیت

مفهوم امنیت با هر وجه معنایی که ذکر گردید، شامل افرادی است که در محدوده و گستره آن اختلاف‌هایی وجود دارد که می‌توان آن را در موارد زیر دسته‌بندی نمود:

۱. فقط افراد ساکن مکه

طبق این نظر امنیت مورد اشاره در قرآن کریم فقط شامل ساکنان بلد مکه است. با توجه به سیاق آیات، مراد امنیت که متعلق دعای حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد، ساکنان مکه است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۱۰۹)

۲. افرادی که با پیامبر به حج رفتند

برخی از مفسران بر این باورند که امنیت مورد نظر، مربوط به افرادی است که با پیامبر صلی الله علیه و آله عمره گزار شدند. ابوالفتوح رازی می‌نویسد: «قولی دگر آن است: هر که او آن سال که رسول صلی الله علیه و آله عمره قضا کرد با رسول الله در آنجا شد، ایمن است». (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۴۴۴) وی در ادامه این مطلب را مرتبط با آیه ۲۷ از سوره فتح می‌داند.

۳. هر کسی که وارد در حرم شود

این مفهوم که دایره شمول عام و گسترده‌تری دارد، به معنای رایج و سنتی حرم امن اطلاق شده است. به عبارت دیگر، هر کس که وارد محدوده حرم گردد، نسبت به او تعرضی نمی‌شود و حتی اگر فردی خارج از حرم مرتکب جنایت و یا فعلی که مستوجب حد باشد گردد و سپس به حرم پناه ببرد، حد بر او جاری نمی‌گردد.

۴. هر کسی که با نیت تقرب و به قصد حج وارد شود

مطلق ورود به حریم امن، موجب امنیت نیست؛ بلکه با قید نیت و قصد تقرب به درگاه الهی، این امر میسر خواهد بود. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمود: «من دخل الحرم من الناس مستجيراً به فهو آمن من سخط الله عز و جل». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۸۷) در این صورت باید گفت که در این وجه از شمولیت، معنای حرم امن مرتبط با معنای معنوی از امنیت - که همان امنیت اخروی است - می‌باشد.

۵. حیوانات و گیاهانی که در آنجا هستند

شمولیت امنیت مربوط به طبیعت حرم است؛ جایی که حیوانات مختلف و متضاد نظیر: گرگ، آهو و ...

بدون هیچ گونه ترسی از اینکه مورد تعرض قرار گرفته شوند، در امنیت هستند. البته این وجه، منافاتی با سایر وجوه ذکر شده ندارد و می‌تواند ذیل یکی از عناوین ذکر شده نیز قرار گیرد.

محدوده امن

اغلب مفسران، شهر مکه را مصداق مکانی حرم و بلد امن در نظر گرفته‌اند. البته بین واژه مکه و بکه نیز نظرات گوناگونی مطرح گشته است. برخی تبدیل حرف «ب» و «م» را تنها اختلاف ذکر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳ / ۳۵۰) و برخی مفسران چون ابوالفتوح رازی دیگر بین «مکه» و «بکه» قائل به تفصیل شده و اظهار می‌کنند که بکه زمینی است که خانه خدا به روی آن قرار گرفته و مکه به کل حرم و شهر و قریه اطلاق می‌گردد. (رازی، ۱۴۰۸: ۴ / ۴۴۱) در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمود: «إِنَّ بَكَّةَ مَوْضِعَ الْبَيْتِ وَ إِنَّ مَكَّةَ الْحَرَمِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۶۵۹) تفاسیر محدوده حرم را به صورتی کلی تبیین نموده و جزئیات و تفصیلات را بیان نموده‌اند. به نقل تاریخی، حدود منطقه حرم از گذشته‌های دور از طریق کوه‌های اطراف شهر مکه معین بوده است. (ر.ک: ازرقی، ۱۱۱۴: ۲ / ۱۳۱ - ۱۲۷؛ فاکهی، ۱۴۳۰: ۲ / ۲۷۷ - ۲۷۳) برخی شهر مدینه را نیز ملحق به اوصاف مکه دانسته‌اند. (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۹۸۳) افزون بر این، روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله با مضمون حرمت مدینه که در تفاسیر بدان اشاره رفته، احتمال مقصود بودن مفهوم امنیت در مدینه را نیز تقویت می‌نماید.

امنیت دینی امامت محور

۱. مفهوم

پس از بررسی نظرهای موجود در تفاسیر، اکنون به بیان تفصیلی نظر مختار پرداخته می‌شود. آنچه که در سیاق آیات مرتبط با بحث و همچنین روایات مرتبط با حرم امن و مناسکی که در این حرم انجام می‌گیرد، آمده است، ما را به مفهومی دیگر از حرم امن سوق می‌دهد که در آن دو عنصر نقشی کلیدی ایفا می‌کنند:

۱. امنیت دینی؛ ۲. امامت. ترکیب این دو مؤلفه، که سرچشمه اصلی آن از ایمان به امامت شکل می‌گیرد، مفهوم حرم امن را به معنایی جدید رهنمون می‌سازد؛ به عبارت دیگر، عنصر امامت است که حرم امن را امنیت می‌بخشد و مراد از این امنیت، امنیت دینی است که سایر جنبه‌های اشاره شده از

۱. إني حرمت المدينة كما حرمت إبراهيم مكة.

امنیت در تفاسیر نیز از آن منشعب می‌شود. در توضیح این مطلب، نخست باید به تشریح و تبیین معنای امنیت دینی پرداخت. امنیت دینی، معنایی معنوی از امنیت را در بردارد که استقرار آن موجب محفوظ ماندن دین فرد در مقابل عوامل مخرب ضد دینی خواهد شد؛ به عبارت دیگر، اعتقاد و التجاء به یک اعتقاد - که مراد از آن اعتقاد، باور به امامت است - فرد را در حریمی امن قرار داده که او را از آسیب‌های گوناگون دنیوی و اخروی - در یک کلام: دینی - مصون می‌دارد و ایجاد آرامش می‌کند. برای پیجویی این معنا، در بدایت امر با مراجعه به سیاق آیات در قرآن کریم به این نتیجه می‌توان رسید که میان امنیت و آرامش با ایمان داشتن ارتباط وثیقی وجود دارد. خدای متعال در آیه ۸۲ انعام، به صراحت ارتباط میان ایمان و امنیت را گوشزد می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (آری،) آنها که ایمان آوردند، و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت‌یافتگانند». همچنین در آیه ۲۸ رعد، ایمان را منشأ اطمینان و امنیت می‌داند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». با این معنا، امنیت دینی که ناشی از التجاء و ایمان به باورهای توحیدی است، مایه آرامش قلوب خواهد بود.

با توجه به روایات پیرامون حرم امن، ایمانی که در این بحث از آن به عنوان مایه آرامش و امنیت حرم صحبت شده، اعتقاد به امامت است؛ به بیانی دیگر، این ایمان به امامت است که در ایجاد امنیت حرم محوریت دارد و منجر به توحید می‌شود. برای درک عمیق‌تر این معنا، به سراغ عمل عبادی حج و روایات پیرامون آن می‌رویم. حج به عنوان یکی از اعمال و مناسک مهم دین که در بیت الله الحرام - حرم امن - گزارده می‌شود، مصداقی از اعمال صالح است که بعد اجتماعی پر رنگی دارد. مراسم حج بزرگترین اجتماع مسلمانان است که در آن، گروه‌هایی از تمام فرقه‌های اسلامی در مکه گرد هم می‌آیند. حقیقت اصلی این عبادت که از فروع اسلام نیز می‌باشد، در بیان معصومان علیهم‌السلام به صراحت با مفهوم امامت پیوند زده شده است و آن‌گونه که از روایات بر می‌آید، عدم توجه به این مفهوم، حج را خالی از معنای توحیدی و دینی می‌سازد؛ به بیانی دیگر، واقعیت حج همین اعمال ظاهری و مناسک شرعی نیست؛ چرا که این اعمال در دوران جاهلی نیز انجام می‌شده؛ بلکه واقعیت و حقیقت آن، ورود به حرم امنی است که با اعتقاد به امامت عجین شده و سایر اعمال را نیز در برمی‌گیرد. شرط ورود به حصن امن دین و حرم امن شدن حرم، اعتقاد به امامت و مودت نسبت به ایشان است که روایات و احادیث متعددی این مطلب را تایید می‌کنند. در روایات ذیل آیه ۳۷ ابراهیم^۱ - که دعایی از سوی آن

۱. رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ. (ابراهیم / ۳۷)

حضرت در زمانی است که در کنار بیت الله الحرام به همراه خانواده خویش ساکن شده بودند - و همچنین آیه ۱۸ سبأ، در تفسیر معنای عبارت «فَجَعَلُ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ» و «سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ»، تمایل و محبت به امامان و اعتقاد به ایشان مایه امنیت دانسته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. از امام باقر علیه السلام نقل شده که ایشان به مردمی که گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد و فرمود: «همانا مردم دستور دارند که گرد کعبه طواف کنند و سپس سوی ما کوچ کنند و ولایت و دوستی خود را به ما اعلام دارند و یاری خود را نسبت به ما عرضه کنند، سپس این آیه را قرائت فرمود: «فَجَعَلُ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۹۲) این روایت به روشنی بیان می‌دارد که گزاردن حج بدون معرفت و موذت نسبت به امام، پوسته‌ای بی روح است و فرد را نسبت به حرم امن بیگانه می‌کند. در حدیثی صحیح که ماجرای دیدار قتاده با امام صادق علیه السلام را بیان می‌کند، حضرت در مورد تفسیر هر دو آیه فوق، معرفت به اهل بیت علیهم السلام و اعتقاد به ایشان را مایه امنیت بیان نموده که نتیجه آن، رهایی از آتش دوزخ خواهد بود. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۳۱۱) در روایات ذیل آیه ۲۹ حج نیز مسئله امامت و تجدید عهد با امام به وضوح دیده می‌شود؛ جایی که مراد از تقصیر و وفای به نذر را «لقاء امام» دانسته‌اند. امام باقر علیه السلام در هنگام حج درحالی که مردم در حال طواف بودند، ضمن بیان این نکته که اعمال این افراد به مانند کارهایی است که در زمان جاهلیت انجام می‌شد، حج واقعی را این چنین تبیین می‌نمایند: «أَنْ يَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ فَيَمُرُوا بِنَا فَيُخِرُونََا يَوْمَئِذِهِمْ وَيَعْرَضُونََا عَلَيْنَا نُصْرَتَهُمْ؛ حج خود را انجام دهند و به نذر خود وفا کنند و نزد ما آیند و ولایت خود را به ما خبر دهند و نصرت خویش را بر ما عرضه کنند». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۹۲) در جایی دیگر، اتمام عمل حج و صحت آن در دیدار به شرط دیدار با امام علیه السلام مقید شده است. از امام صادق علیه السلام نقل است که: «تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۵۴۹) بنابراین، حرم امن از آن جهت امن نامیده شده که با اعتقاد به امامت ائمه علیهم السلام و پیروی از ایشان، مناسک دینی و حج گزارده شود و دین افراد حفظ گردد؛ که در غیر این صورت طواف بر گرد کعبه با دوران جاهلیت تفاوتی ندارد.

در برخی دیگر از روایات، امنیت مستقیماً با امامت حضرت حجت علیه السلام در ارتباط قرار می‌گیرد. برای نمونه، روایتی که در ذیل آیه ۹۷ آل عمران از امام صادق علیه السلام روایت شده، چنین است که ایشان فرمود: «فِي قَائِمِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، فَمَنْ بَايَعَهُ وَ دَخَلَ مَعَهُ وَ مَسَحَ عَلِيَّ يَدَهُ وَ دَخَلَ فِي عَقْدِ أَصْحَابِهِ، كَانَ آمِنًا». (بحرانی، ۱۴۱۶: ۱ / ۶۵۶) باور و ایمان به امامت همچون حصن و حصاری است که منجر به توحید و قرارگرفتن در محدوده امنیت دنیوی و اخروی خواهد شد.

افزون بر این، روایاتی که به طور خاص در مورد کعبه و بیت‌الله الحرام وارد شده است نیز مؤیدی

بر معنای مختار می‌باشند. حضرت امام صادق علیه السلام ذیل آیه ۹۷ مائده در مورد معنای کعبه می‌فرماید: «جعلها الله لدينهم و معایشهم»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۶ / ۶۵) خداوند، کعبه را مایه خیر و برکت در دین و دنیا قرار داده است که ورود مردم به این حرم امن - با شرط اعتقاد به امامت - تضمین‌کننده سعادت آنهاست. احادیث هم‌مضمون دیگری نیز در این باب از ائمه معصوم علیهم السلام آمده است. نقل است که امام صادق علیه السلام فرمود: «من أتى هذا البيت يريد شيئاً في الدنيا والآخرة أصابه؛ هر کس به سوی این بیت بیاید، به آنچه که در دنیا و آخرت بخواهد می‌رسد». (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۹۰) یا در جای دیگری از معصومان علیهم السلام روایت شده است که: «ما دامت الكعبة يحج الناس إليها لم يهلكوا فإذا هدمت و تركوا الحج هلكوا؛ تا زمانی که کعبه برقرار باشد و مردم حج به جای آورند نابود نمی‌شوند و هرگاه چنین نباشد، به هلاکت می‌رسند». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۸۲) وقتی از امام باقر علیه السلام در مورد معنای آیه «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ» (ذاریات / ۵۰) سؤال می‌شود، ایشان می‌فرماید: منظور از فرار به سوی خدا آن است که آهنگ حج کنید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۲۲)

البته با توجه به مواردی که بیان شد، مراد از حج، حج با معرفت و اعتقاد به امام است که مانع از هلاکت است و منجر به ورود در حرم امن خواهد شد و غیر از این، تفاوتی میان این عمل با عمل دوران جاهلیت وجود ندارد.

روایات متعدد در زمینه تشویق و ترغیب به حج‌گزاری و ورود به سرزمین امن الهی، از راز و سری مهم خبر می‌دهند که حکایتگر اهمیت موضوع مورد بحث ماست؛ روایاتی که در آن، ارزش حج با هیچ عمل دیگری در یک کفه قرار نمی‌گیرد. برای نمونه، شخصی به امام صادق علیه السلام عرضه می‌دارد: «من یک برنامه‌ریزی برای خودم دارم [یک سال من به حج می‌روم و یک سال شریک من به حج می‌رود». حضرت می‌فرماید: «چرا هر سال به حج نمی‌روی؟» پاسخ می‌دهد: «هرسال وقت ندارم و گرفتاری دارم. آیا من به جای این سالی که حج نمی‌روم، می‌توانم پانصد درهم در راه خدا بدهم؟» حضرت فرمود: «الْحَجُّ أَفْضَلُ»؛ آن شخص دوباره می‌پرسد: «اگر هزار درهم بدهم چطور؟» حضرت می‌فرماید: «الْحَجُّ أَفْضَلُ». این سوال و جواب ادامه می‌یابد تا آنجا که حضرت، هیچ مقداری را به عنوان مابه‌ازاء ارزش حج تعیین نمی‌کنند و حج را بالاتر از کارهای خیر دیگر می‌دانند. (کافی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۵۹) همین جا باید این سؤال را از خود پرسید که چرا امام علیه السلام به این میزان نسبت به حج حساس بوده‌اند؟ و در مقام قیاس، هیچ عمل نیکی را در حد و اندازه آن ندانسته‌اند؟ پاسخ این سؤال در نکته‌ای مهم نهفته است؛ حج، تجلی‌گاه پیوند امت با امام خویش است و علت تأکید معصومان علیهم السلام در این خصوص، ورود به حرم امنی است که با امامت معنا پیدا می‌کند و در سایه‌سار اوست که حج مقبول می‌گردد.

بنا بر روایات، در زمان غیبت نیز حضرت حجت علیه السلام در حج حاضر می‌شوند و اعمال را به جای می‌آورند ولی شناخته نمی‌شوند. در همین زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «يَقْفُدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ فَيَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْتَهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۲ / ۱۵۱)

اینجاست که دعای حضرت ابراهیم علیه السلام نیز دارای مفهومی تازه می‌گردد؛ ایشان با دعای «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» و «فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»، ایجاد محبت و معرفت امام در این حرم و تمایل مردم به سوی ایشان را که مایه ایجاد امن و آرامش است از خداوند طلب نمودند. با این معنا، حرم امن می‌تواند حالت تکوینی نیز پیدا کند و قول برخی از مفسران ناظر به تکوینی بودن امنیت حرم را می‌تواند موجه نماید؛ به عبارت دیگر، اگر فرد وارد در این اعتقاد گردد، تکویناً وارد حصاری امن شده و خدای متعال با قرار دادن آرامش در او، مایه سکونت و امنیت وی می‌گردد: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْكَرُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ (فتح / ۴) او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خدا دانا و حکیم است».

لازم به ذکر است که ایمان به امامت، صرف اعتقاد و دانستن یک امر نیست، بلکه این ایمان باید باعث ایجاد عمل و تحرک باشد؛ به عبارت دیگر، صرف معرفت بدون مودت و اطاعت، فرد را در حرم امن وارد نمی‌کند. در آیات قرآن نیز هر گاه سخنی از ایمان به میان آمده، با عمل صالح در کنار هم قرار گرفته‌اند. ایمان بدون عمل صالح، معنایی ندارد و اعتقاد و عمل، دو جزء لاینفک و تنیده در کنار یکدیگر هستند که نتیجه این به هم پیوستگی، امنیت و آرامش و قرارگیری در حرم امن خواهد بود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ (احقاف / ۱۳) کسانی که گفتند پروردگار ما الله است سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

خلاصه مطلب پیرامون این بحث آنکه اولاً مراد از امنیت حرم، امنیت دینی است؛ ثانیاً محور اساسی و منشأ اصلی امنیت، اعتقاد به امامت است که به وسیله آن امنیت استقرار می‌یابد و سایر معانی و وجوه امنیت از آن منشعب می‌گردد؛ و ثالثاً این اعتقاد هنگامی به بروز و ظهور می‌رسد که با عمل نیز توأمان باشد.

۲. امنیت امامت محور و احکام فقهی

یکی از مواردی که همواره در ابواب مختلف فقهی - به خصوص عبادات - به صورت ویژه بدان توجه می‌شود، اعتقاد به امامت به عنوان یکی از شروط صحت اعمال دینی است که عدم اعتقاد به آن،

موجب بطلان عمل می‌شود. از منظر احکام فقهی، نماز و روزه و بسیاری از تکالیف دینی با شرط اعتقاد و تبعیت از امام مقبول خواهند بود. امامت، پایه و شالوده احکام اسلامی است و نقش امام معصوم (علیه السلام) چه در تبیین احکام و جلوگیری از انحرافات دینی و چه در ولایت ظاهری و معنوی، نقشی بی‌بدیل و غیر قابل انکار است. در حدیثی صحیح از امام صادق (علیه السلام) نقل است که ایشان فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسًا؛ عَلَيَّ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالصَّوْمُ وَالْحَجُّ وَالْوَلَايَةُ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوَلَايَةِ. فَأَخَذَ النَّاسُ يَارْبِعَ وَتَرَكُوا هَذِهِ الْوَلَايَةَ». (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸ / ۲) دین اسلام بر پنج پایه بنیان نهاده شده است که مهمترین آن، ولایت می‌باشد. این روایت، به روشنی علت بسیاری از شروط صحت اعمال دینی را مشخص نموده و آن را در گرو اعتقاد به امامت مشروط می‌سازد. حج در حرم امن نیز از این قاعده مستثنا نیست. بنابراین آنچه که بیان شد، در احکام فقهی نیز مدخلیت دارد؛ به این نحو که اساس صحت حج در حرم امن با اعتقاد به امامت، بنیان نهاده شده است. افزون بر این، روایات متعددی که غایت و مقصود از حج‌گزاری را امنیت اخروی و رهایی از عذاب جهنم معرفی می‌نمایند، شرط تحقق این هدف را در اعتقاد به امامت و لقاء امام دانسته‌اند. بنابراین اگر کسی بدون اعتقاد به امامت وارد در حرم شود و مناسک حج به جای آورد، حج او باطل قلمداد گردیده و عملاً به امنیت دینی نخواهد رسید.

۳. ثمرات امنیت امامت محور

بعد از تبیین و اثبات نظر مختار خویش، به ثمرات و نتایج این بحث پرداخته می‌شود. بر پایه اعتقادات شیعه، زندگی بر پایه دین و دستورات دینی که بر اساس مصالح و مفاسد^۱ زندگی بشر تشریح شده‌اند، انسان را به سوی سعادت خویش - چه در زندگی مادی و چه معنوی - رهنمون می‌سازد. بر همین مبنا، التزام به اینکه پایه امنیت حرم با معتقد بودن به امام شکل گرفته است، به دو شکل می‌تواند تأثیرگذار باشد:

یک. ثمرات دنیوی

یکی از ثمرات این جهانی امنیت امامت محور، وحدت و شکل‌گیری جامعه توحیدی بر مدار امام است. امام به عنوان انسان کامل، ولایت و سرپرستی مؤمنان را در تمامی شئون برعهده دارد و در موسم حج، مردم به قصد تجدید این عهد و اعلام نصرت و یاری، به سوی محور وحدت - یعنی امام - گردهم می‌آیند.

۱. يَا مَرْءُهَا بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ. (اعراف / ۱۵۷)

از دیگر برکات و ثمرات این نوع نگاه، جلب رحمت و گشایش ابواب آسمان به روی زمینیان است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكُوْنُ اَنْ اَهْلَ الْقُرَيِّ اٰمَنُوْا وَاَتَّقَوْا لَفَتْحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَآءِ وَاَلْاَرْضِ...» (اعراف / ۹۶) که برکات به صورت عام به معنای اموری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان با فقدان آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۰۱) بنابراین «برکات ارض» یعنی تمام اموری که با زندگی انسان به روی کره خاکی انسان ارتباط پیدا می‌کند. افزون بر این، اقرار به اعتقاد به امامت، فرد را در حریمی امن قرار داده و وی را از دغدغه، ناملایمات روزمره و اضطراب‌ها رهایی می‌بخشد و آرامش را در پی دارد.

دو. ثمرات اخروی

افزون بر ثمرات و نتایج دنیایی و مادی، ثمرات اخروی و معنوی نیز در اعتقاد به امنیت امامت محور نهفته است که اصلی‌ترین آن، رهایی از آتش جهنم و سعادت‌مندی است. همانطور که اشاره گردید، احادیث متعددی از ارتباط مستقیم میان حج در حرم امن و دور ماندن از عذاب پرده برداری می‌نمایند که در اینجا به یک مورد اکتفا می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيراً بِهٖ فَهُوَ اٰمِنٌ مِّنْ سَخَطِ اللّٰهِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴ / ۲۲۶) هر کس به حرم پناهنده گردد، از خشم و عذاب خداوند در امان است.

علاوه بر این، جلب رحمت و رضایت الهی، در حج با معرفت امام نهفته است که ترک آن باعث قطع رحمت الهی می‌شود. در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام، نسبت به ترک این فریضه مهم اینگونه هشدار داده می‌شود: «اللّٰهُ اللّٰهُ فِيْ بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلُوْهُ مَا بَيْتُكُمْ فَاِنَّهٗ اِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوْا؛ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۲۳) خدا را! درباره خانه پروردگارتان در نظر داشته باشید تا هستید، آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر حج متروک شود، نظر رحمت خدا از شما قطع خواهد شد».

بالاترین سعادت‌ی که می‌توان در این مبحث از آن سخن به میان آورد، در رسیدن به لقاء امام و مصاحبت با معصوم است. حج در حرم امنی که با امامت معنا پیدا می‌کند، منجر به قرارگرفتن فرد در زمره یاران و اصحاب معصومان علیهم السلام خواهد شد.

۴. نقد و بررسی نظرهای مطرح‌شده

با توجه به آنچه بیان شد، معنایی که مفسران از نظرگاه و ساحات مختلف به مقوله امنیت حرم ارائه

داده‌اند به‌رغم موجّه بودن برخی از آنها، دربردارنده معنای اصلی و محوری عبارت نیست. آنچه در این بحث حائز اهمیت است، توجه به اصل و منشأ ایجاد آرامش و امنیت در آن حرم شریف است که با توجه به آیات و روایات، ایمان به اصل امامت در نقطه کانونی آن قرار دارد و با توجه به این اصل است که می‌توان سایر معانی را استخراج نمود. برای مثال، امنیت اجتماعی به عنوان یکی از معانی ارائه‌شده، با در نظرگیری اینکه اصل امامت باعث ایجاد وحدت و مصون ماندن از اختلافات دینی است، با سیاق آیات دارای هم‌خوانی و سازگاری می‌باشد و کعبه در این میان، وسیله‌ای است که افراد را به امام متصل کند. امنیت جانی و مالی که صبغه تشریحی بودن حرم امن را پر رنگ می‌نماید نیز منشعب از قداست ملکوتی و حرمت این مکان الهی است که در آن، دیدار با امام رخ می‌دهد و عهد بسته می‌شود. امنیت اخروی و مصون بودن از آتش جهنم نیز نتیجه اصل اعتقاد به امنیت دینی امامت محور است که در روایات نیز به آن اشاره شد. اما برخی از معانی نه تنها سنخیتی با نظر مختار ندارند، بلکه در تضاد با سایر امور منطقی نیز هستند. برای نمونه، امنیت سرزمینی مکه با توجه به آنچه در طول سالیان از سیل و خشکسالی و ... در این ناحیه رخ داده است، نمی‌تواند دلالتی بر معنای امنیت حرم داشته باشد. و یا امنیت سیاسی نیز نه با آیات قرآنی سازگار است و نه نقلی خاص در این باره وجود دارد و نه عقل آن را می‌پذیرد.

نتیجه

آنچه که در پژوهش حاضر بیان گردید، بیانگر این مطلب است که مفسران از نظرگاه و ساحت‌های مختلفی امنیت حرم را بررسی نموده‌اند که این موضوع حاکی از ذویطون بودن مفاهیم قرآنی است؛ اما از آنجا که اکثر تفاسیر در ارائه معنایی محوری از بحث حرم امن مکه و مسجدالحرام بازمانده‌اند، نیاز است تغییری هدفمند در شیوه ورود به بحث امنیت حرم شکل بگیرد که این تغییر، ناظر به در نظر گرفتن اصل و محور کانونی ایجاد امنیت است. با توجه به آیات و روایات پیرامون بحث، مفهوم کلیدی که در اذهان مغفول واقع شده و نقشی بنیادین را در مقوله امنیت ایفا می‌کند، اعتقاد به امامت است؛ که با باور به آن، امنیت دینی شکل می‌گیرد، به عبارت دیگر حرم امن، حصن و حصاری توحیدی است که در پرتو ایمان به امامت محقق می‌شود و افزون بر ثمرات مادی نظیر جلب نعمات دنیوی، اطمینان خاطر و آرامش ذهنی از سرانجام وقایع و حوادثی که ممکن است در زندگی انسان رخ دهد، تضمین‌کننده زندگی اخروی و رضای پرورگار می‌باشد. این معنا، ناقض سایر برداشت‌های رایج از مفهوم امنیت نیست، بلکه تکمیل‌کننده آن است.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم.
- آشوری، داریوش، ۱۳۶۶، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *معانی الاخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ازرقی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *اخبار مکه و ما جاء فيها من الآثار*، قم، منشورات الشریف الرضی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل وأسوار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البتیة.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء تراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات فی غریب القرآن*، دمشق و بیروت، الدار الشامیه و دار العلم.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمدفؤاد، ۱۳۶۴ ق، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، قاهره، دار الکتب المصریة.
- فاکهی، محمد بن اسحاق، ۱۴۳۰ ق، *اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه*، مکه المکرمه، مکتبه الاسدی.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، ج ۲، قم، هجرت.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، *الصادق*، تهران، صدر.
- فیومی، احمد بن محمد، بی تا، *المصباح المنیر*، بی جا.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار* علیهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد، ۱۳۶۲، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیر کبیر.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۷۲، *فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی: انگلیسی - فارسی*، تهران، نشر نی.

ب) مقاله‌ها

- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، *مطالعات معارف اسلامی*، ش ۷۵، ص ۳۸ - ۱۱، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- افتخاری، اصغر، سید نورالدین شریعتمدار جزائری و نجف لکزایی، ۱۳۸۵، «امنیت در اسلام»، *علوم سیاسی*، ش ۳۴، ص ۵۰ - ۷، قم، دانشگاه باقر العلوم علیهم السلام.
- غرایق زندی، داود، ۱۳۸۹، «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم»، *مطالعات راهبردی*، ش ۳، ص ۳۴ - ۵، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.